

ارزیابی عملکردی مشارکت زنان در فضاهای شهری با رویکرد برنامه-ریزی مشارکتی نمونه موردی منطقه ۲۰ تهران

محمدعلی خلیجی^{*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۸ صص: ۸۰-۶۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۳

چکیده

امروزه، به دلیل توجه ناکافی به نقش مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی، مدیریت و تصمیم‌سازی بسیاری از کلان‌شهرها به شهروندان چنین تلقین شده است که در امر تأثیرگذاری بر جامعه و سرنوشت آینده شهر، به نوعی ناتوان هستند. از این رو نقش زنان در پیشبرد فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بسیار حساس و حیاتی می‌باشد. استعداد و توانایی زنان در مشارکت‌های مدنی موجب پیشبرد و تعالی جامعه در عصر دانایی محور می‌گردد. کارآفرینی و مشارکت زنان از شاخص‌های مهم در توسعه یافتگی محسوب می‌شود. بررسی‌های اجتماعی و اقتصادی که در زمینه مشارکت زنان در امور جامعه انجام گرفته نیز حاکی از آن است که عوامل اجتماعی و فرهنگی و انتظارات متفاوت جامعه از زن و مرد، از جمله موانع مهم بر سر راه مشارکت زنان به حساب می‌آیند. بر این اساس، هدف پژوهش، بررسی مشارکت عملکردی زنان، در فضاهای شهری می‌باشد. پژوهش حاضر به لحاظ هدف در زمره تحقیقات کاربردی و از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد. مؤلفه‌ها در ۴ بخش اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. در سنجش میزان تأثیرگذاری مشارکت زنان از آزمون پیرسون و تحلیل مسیر استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که بالاترین میزان مشارکت در منطقه ۲۰ شهرداری تهران، مشارکت اجتماعی با ۲,۵۲ و کمترین آن مشارکت سیاسی با میانگین ۱,۶۵ می‌باشد. همچنین بین مؤلفه‌های اقتصادی و فرهنگی با نمره ۰,۶۸۸، بی‌شتری رابطه وجود دارد. همچنین میانگین مقدار بحرانی در مؤلفه اجتماعی ۳,۸۹، دارای بیشترین مقدار می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت پذیری، زنان، تهران، تحلیل مسیر.

^۱ استادیار گروه شهرسازی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

* مسؤل نویسنده مقاله: Ma.khaliji@srbiau.ac.ir

مقدمه

فضاهای شهری عرصه‌هایی متنوع، نفوذپذیر، خوانا و در حال تحول هستند که در تأمین رفاه انسان نقش اساسی دارند (Askari & Soltani, 2019). فضاهای شهری همچنین مکان رفع نیازهای انسان‌ها هستند (Van Staden, 2020). فعالیت‌های مختلف ضروری، اجباری، انتخابی و اجتماعی در بستر فضاهای شهری تحقق می‌یابند (Sirel & Sirel, 2018). حضور و مشارکت افراد در فضاهای شهری موجب برقراری تعامل می‌گردد که منجر به شکل‌گیری برخوردهای اجتماعی و جلوگیری از مشکلات روانی، افسردگی و تقویت اعتماد به نفس و زنده‌واری و سرزندگی می‌گردد (McKenzie, 2008). حضور زنان در فضاهای شهری از مهمترین نیاز انسان یعنی ارتباط نشأت می‌گیرد (Ito, Okabe, & Anderson, 2017). حق، مانند مردان حق مسلم زنان است. این حضور برابر و تعاملی مفاهیم حقوق شهروندی کثرت‌گرا در جامعه مدنی امروز و رویکرد عدالت محور در برنامه‌ریزی را نشان می‌دهد (Gholamhosseini, Pojani, Mateo Babiano, Johnson, & Minnery, 2019). مهمترین عواملی که زنان را در فضای شهری محدود می‌کنند عبارتند از: عوامل کالبدی، فرهنگی و اجتماعی (Almahmood, Schulze, Carstensen, & Jørgensen, 2018). ساخت شهرهای مرد محور و تک‌بعدی میزان مشارکت اجتماعی و عملکردی را در جامعه و فضای شهری کاهش می‌دهد و در نهایت فضاها را جنسیتی حاکم می‌گردد. در جامعه جنسیتی رفتارهای اجتماعی و عملکردی شکل نمی‌گیرد و ترس، وحشت و بی‌انگیزگی تشدید می‌یابد (Bull & Azenoud, 2016). از عوامل محدود کننده مشارکت زنان در فضای شهری، دسترسی نامناسب است. زنان هم به عنوان خرید و فعالیت‌های اجباری و هم برای ملاقات‌های اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه بیشترین استفاده‌کنندگان از مراکز شهری اند. در میان عوامل محدود کننده زنان برای حضور در فضای شهری موارد دیگر مانند زمان محدود هنجارهای اجتماعی، فرهنگی، نامنی، استرس، تنش در محدودیت زنان تأثیر گذارند (Krenichyn, 2004) (Popenoe, 2019) (Garcia-Ramon, Ortiz, & Prats, 2004).

زنان در سراسر دنیا نقش تعیین‌کننده‌ای در مشارکت جوامع دارند و اهمیت اقتصادی و اجتماعی مشارکت زنان چشم‌گیر می‌باشد (Golabi & Hajiloo, 2012). توجه حمایت از زنان در فعالیت‌های اجتماعی در فضای شهری می‌تواند کارایی و قدرت تولید آنان و به همان اندازه سطح زندگی خود و خانواده‌شان را بالا ببرد (Rezvani & zanjanizadeh, 2015). امروز در برنامه‌های توسعه در امور شهرسازی و مدیریت شهری نقش زنان و نیازهای آنان می‌بایست مورد توجه تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان قرار بگیرد (Bazzi & Sarkolzaei, 2012). در بسیاری از جوامع مشارکت و نیروی کار زنان نقش مهم و حیاتی در تولید و رونق فعالیت‌های اقتصادی دارد

(Mutongu, 2018). در دنیای امروز، مشارکت مردمی، یکی از راه های رسیدن به پیشرفت و توسعه است (McLavery, 2017). برای داشتن جامعه پایدار که دارای تمامی ویژگی های جامعه اقتصادی، زیست پذیری و اجتماع محوری را باشد تنها در سایه مشارکت تمامی افراد جامعه عملی می شود. از این رو نادیدانگاشتن نقش زنان در این مهم مسائل جبران ناپذیری را پدید می آورد. مشارکت و حضور زنان در فضای شهری موجب همبستگی می گردد که موجب تعامل، هم افزایی و تشریک مساعی در جامعه شهری می گردد. بنابراین، درگیر شدن، یاری دادن و مسئولیت سه بخش مهم مشارکت اجتماعی هستند.

بر این اساس، هدف پژوهش، بررسی و وضعیت مشارکت زنان، تعیین معیارهای اصلی تعریف کننده، مشارکت زنان در محلات منطقه ۲۰ شهرداری تهران می باشد. سوال این پژوهش این است که آیا میزان مشارکت زنان در منطقه ۲۰ شهرداری تهران بهینه می باشد؟ چه مؤلفه هایی در تبیین میزان مشارکت زنان می تواند موثر واقع شود؟

اهمیت مشارکت از دیر باز در تمام حوزه های زندگی بر کسی پوشیده نیست. مشارکت در عمران و ساخت زندگی به شکل گیری تمدن بشری منجر شده است. با گذشت زمان نه تنها از این اهمیت کاسته نشده است، بلکه اهمیت مشارکت در عرصه های مختلف بسیار بیشتر از گذشته شده است. همچنین با رشد شهرنشینی و به تبع آن تغییر الگوی مشارکتی، لزوم بازبینی در این مفهوم و ارایه الگوی مناسب با نیازهای امروزی شهروندان احساس می شود. محدودیت های بسیاری در فضای شهر برای زنان وجود دارد از جمله می توان به منابع محدود مانند پول و تحرک، احساسات بازدارنده مانند ترس و استرس، مسئولیت های بازدارنده و سنگین مانند کار در منزل و نگهداری از کودکان و هم چنین موقعیت ها و هنجارهای موثر اجتماعی مانند اصول و هنجارهای محدود کننده جنسی و یا طراحی و برنامه ریزی غیرحساس به موضوع است اشاره کرد (Yaghfoori & Rafieyan, 2015) (Shariati Mazinani & Foroghzadeh, 2017) (Rezazadeh & Mohammadi, 2009).

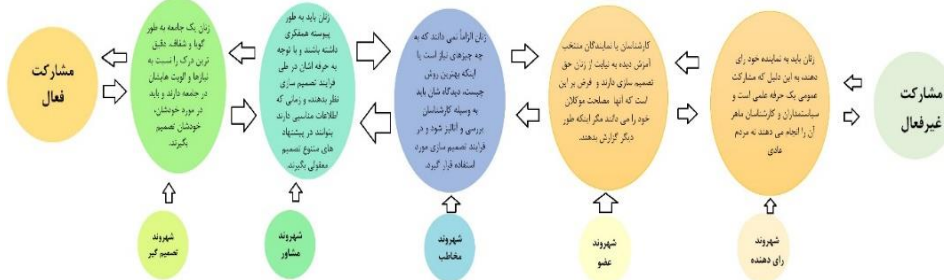
مشارکت به صورت با همدیگر عمل کردن، بر عهده گرفتن، سهمی از چیزی بردن، بخشی از چیزی را بر عهده داشتن و عمل متقابل اجتماعی تعریف شده است (Sadeghi & Shams, 2017). مشارکت مردم در برنامه ریزی شهری را می توان نگرشی عملگرا و واقع بینانه در برخورد با نارسایی های ناشی از برنامه های به اصطلاح از بالا به پایین تلقی کرد. شکست این برنامه در دستیابی به اهداف خود، این تصور را پرورش داد که نبود مشارکت های مردمی در طراحی، اجرا و ارزیابی آن ها، زمینه ی ناکامی این برنامه ها بوده است. مشارکت تضمین کننده قدرت شهروندان، به ویژه طبقه آسیب پذیر و کم بهره، برای استفاده از منابع و فرصت های اقتصادی و سیاسی در تعیین سنجیده و

آگاهانه سرنوشت خود است. مشارکت مردم در برنامه ریزی از سال های ۱۹۶۰ در کشورهای پیشرفته و از ۱۹۷۰ در کشورهای رو به پیشرفت مرسوم شد. این نگرش به دنبال تأکید بر ابعاد اجتماعی در برنامه های توسعه آغاز شد و با اهمیت توجه به پایداری اجتماعی، به عنوان بستر تحقق سایر ابعاد پایداری مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. مشارکت زنان در روند تصمیم گیری ها یک روند توانمند سازی است، فرصت هایی برای تصمیم گیری و تفکر جمعی فراهم می آورد، ظرفیت تفکر انتقادی را افزایش می دهد و موضوعات عدالت اجتماعی و کنش جمعی نسبت به اهدافی را که جامعه از آن نفع می برد، مجدداً نشان می دهد (Calvain, 2019). مشارکت شهروندی به منزله آماده کردن شهروندان با فرصت هایی برای شرکت کردن در تصمیم های دولت و پروسه برنامه ریزی می باشد (Innes & Booher, 2000). مشارکت به مفهوم دخالت عمومی در برنامه های توسعه شهری را از جمله عناصر مهم در پایداری اجتماعی نیز تلقی کرده اند (Cohen & Wiek, 2017) مشارکت به معنای برخورداری مردم از مزایای توسعه و در محور قرار دادن مردم در تصمیم گیری ها و از جمله پیش نیازهای توسعه پایدار می باشد (Mabuza, 2020).

مشارکت زنان در امور مختلف جامعه، نقش مؤثری در کاهش فقر اقتصادی خواهد داشت. نظریه مشارکت و توانمند سازی زنان، خواهان رفع نابرابری بین زنان و مردان در جامعه، تأمین همه نیازهای اولیه زنان، تقسیم کار در خانواده میان زن و مرد، امکان بهره برداری هر فرد از توانایی های خود و رفع تبعیض های قانونی بین زن و مرد است (Hashemi, 2015; Mozayani, 2019). توجه به نقش زنان در فرایند توسعه از اوایل دهه هفتاد میلادی، ناشی از دو واقعیت مهم، عدم تحقق کلی نظریات توسعه در بهبود وضعیت کشورهای جهان سوم و موقعیت نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان در این کشورها بود (Abasi & Rezai, 2017).

برنامه ریزی مشارکتی به معنای سازماندهی و بهبود فضای زندگی بر پایه نظام مشارکت است. این برنامه ریزی حاصل در هم تنیدگی دو دیدگاه متمایز نظری شامل رویکرد ارتباطی در حوزه نظریه برنامه ریزی و حوزه مفهومی جامعه شناسی نهادگرا است (Faysse, Sellika, Rinaudo, & Errahj, 2018). در واقع فرایندی است که از طریق آن گروه های مختلف و منافع متعارض، در تلاش اند تا به توافقی مشترک و موثر در تهیه و اجرای یک طرح (مثلاً طرح توسعه شهری) دست یابند (Lock, Bednarz, Leao, & Pettit, 2019). ویژگی های برنامه ریزی مشارکتی عبارتند از: لحاظ کردن تنوع گروه ها و منافع آن ها در فرایند تهیه و اجرای یک طرح، توجه به کثرت گرایی در جامعه و مشروعیت تضاد منافع، از تفاوت در توزیع قدرت آگاه بوده و در تلاش است تا این

تضاد نتایج را از پیش تعیین نماید. طرفین باید در جهت شناخت نقاط مشترک و یافتن راه های کاهش ناسازگاری ها به تبادل اطلاعات بپردازند (Hague et al., 2003; Harris, 2002)



شکل ۱- نقش های زنان در حوزه ی مشارکت پذیری

جدول ۱- متغیرها و مؤلفه های پژوهش

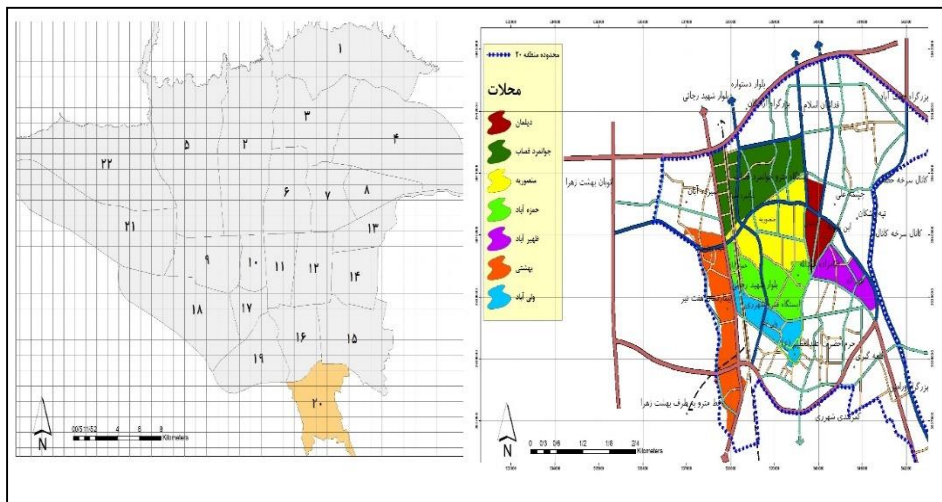
متغیرها	نماد	مؤلفه
همکاری زنان در حوادث و بحران های طبیعی	E1	اقتصادی
مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی	E2	
میزان جمعیت زنان شاغل	E3	
میزان جمعیت فعال زنان	E4	
میزان نرخ مشارکت اقتصادی زنان	E5	
مشارکت در کسب و کارهای نوین و سرمایه گذاری	E6	
رفت و آمد در فضاهای شهری	S1	مشارکت اجتماعی
روابط دوستانه	S2	
کارهای روزانه	S3	
حضور در مراسم های جشن و عزاداری ها	S4	
میزان ارتباط با یکدیگر	S5	
میزان مشارکت در رفع مشکلات اهالی محلات	C1	مشارکت فرهنگی
مشارکت در جلسات فرهنگی	C2	
مشارکت در پروژه های گروهی	C3	
میزان آگاهی از مشکلات و امکانات	C4	
میزان مشارکت در شورایی محلات	C5	
میزان اطلاع از برنامه های آموزش شهروندی	C6	
میزان مشارکت در فعالیت های داوطلبانه	C7	
میزان حس مسئولیت	C8	
فعالیت و همکاری در تشکل های سیاسی	P1	مشارکت سیاسی
کاندیداتوری در انتخابات	P2	
مشارکت در فعالیت های انجمنی	P3	
میزان آگاهی از اخبار سیاسی	P4	

مأخذ: مطالعات نگارندگان

روش پژوهش و ابزار پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع و هدف کلی آن، از نوع مطالعات کاربردی بوده و به لحاظ روش شناسی از نوع مطالعات توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش زنان ساکن در منطقه ۲۰ شهرداری تهران است. تعداد زنان ساکن ۲۲۳۹۰۹ می باشد که با استفاده از فرمول کوکران به تعداد ۳۸۳ نفر حجم نمونه محاسبه گردیده و ابزار اصلی پژوهش پرسشنامه است. ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مراجعه به شهرداری اطلاعات لازم اخذ و در مرحله بعد از طریق ابزار پرسشنامه و مصاحبه به ارزیابی مشارکت در مولفه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقدام گردید. طیف پاسخگویی به صورت لیکرت در ۴ درجه خیلی کم (امتیاز ۱) تا خیلی زیاد (امتیاز ۴) می‌باشد. به منظور بررسی روایی و محتوایی ابزار سنجش، پرسشنامه‌های مورد نظر در اختیار صاحب‌نظران و متخصصان امر در حوزه مورد نظر قرار گرفت. نظر آنها درباره روایی پرسشنامه مثبت بوده است. بدین ترتیب پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش دارای روایی محتوایی و صوری کافی بوده‌اند. برای بررسی روایی سازه پژوهش حاضر صرفاً به بررسی همسانی درونی سوالات از طریق محاسبه پایایی با توجه به ضریب آلفای کرونباخ پرداخته شد و ضرایب آلفای کرونباخ ۰,۷ محاسبه گردید که حاکی از پایایی ابزار است. همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در محیط نرم افزار spss از آزمون همبستگی پیرسون جهت روابط بین متغیرها و تحلیل مسیر (برای برآوردهای کمی بین متغیرها) استفاده گردیده است.

تهران سی و دومین شهری است که در تاریخ ایران عنوان پایتخت رسمی انتخاب شده است. بر اساس آمار نامه سازمان شهرداری تهران جمعیت این شهر در سال ۱۳۹۵، ۸۶۹۳۷۰۶ نفر می باشد. تهران به ۲۲ منطقه و ۱۱۲ ناحیه (شامل ری و تجریش) تقسیم شده است. منطقه ۲۰ (شهری) جنوبی‌ترین منطقه شهری شهرداری تهران است و دارای ۵ ناحیه داخل محدوده و ۲ ناحیه خارج محدوده، ۲۰ محله و مساحت آن ۲۱,۸۴ کیلومتر مربع می‌باشد. جمعیت این منطقه ۴۵۳۷۴۰ نفر که تعداد زنان در این منطقه به ۲۲۳۹۰۹ نفر می‌رسد. سابقه و قدمت ۶۰۰۰ ساله شهر ری و وجود اماکن و عناصر با ارزش تاریخی و همچنین جذب زوار حرم حضرت عبدالعظیم (ع) ویژگی‌های بسیار بارز و خاص تاریخی - مذهبی به این منطقه بخشیده و آن را نسبت به سایر مناطق تهران، مجزا و متفاوت ساخته است. جدا افتادگی کالبدی منطقه از تهران که تا سالیان اخیر نیز ادامه داشته است از خصایص بارز این منطقه به شمار می‌رود. جایگاه این منطقه از نظر فضای شهری نیز بسیار شاخص است و به عنوان عنصر اصلی و انسجام بخش فضای شهری تهران بشمار می‌آید.



شکل ۲- موقعیت منطقه ۲۰ تهران

یافته های پژوهش

طبق بررسی های انجام گرفته و تکمیل پرسشنامه داده های حاصل از میانگین حسابی سنی پاسخ دهندگان ۳۶،۴۸ سال می باشد. در حدود ۵۲،۳ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی و پایینتر، ۳۲،۴ درصد، کارشناسی ارشد و ۱۵،۳ درصد تحصیلات دکتری می باشند (ر.ک. جدول ۲).

جدول ۲- مشخصات عمومی پاسخ دهندگان

گروه های مشخصات عمومی	کل میانگین	فراوانی کل
میانگین سنی (سال)	۳۶،۴۸	۳۸۳
کارشناسی و پایینتر	۵۲،۳	۱۶۸
کارشناسی ارشد	۳۲،۴	۱۲۸
دکتری	۱۵،۳	۸۷

مأخذ: مطالعات نگارنده

در این پژوهش از ۲۳ متغیر در قالب ۴ مؤلفه استفاده گردیده است. به منظور درک ارتباط متغیرهای مشارکت زنان و همچنین اختلاف میانگین اقدام به سنجش میزان ارتباط و سطح معناداری متغیرهای مستقل و وابسته، بصورت جداگانه و سپس به سنجش وابستگی هر دو متغیر

نسبت به هم گردید. بدین منظور با توجه به فاصله ای و نسبی بودن متغیرها از برای سنجش اختلاف استاندارد از روش آزمون تی یک متغیره (T) و رابطه بین متغیرها از آزمون پیرسون (Pearson) استفاده می‌گردد.

در آزمون تی با توجه به اینکه برای سنجش میزان مشارکت و تأثیر مؤلفه‌ها، از طیف ۵ گزینه ای لیکرت استفاده شده که امتیاز ۱ نشان دهنده کمترین میزان اثر گذاری و امتیاز ۵ نشان دهنده بیشترین میزان است.

جدول ۳، نشان می‌دهد که بالاترین میانگین مشارکت اجتماعی با ۲,۵۲ و کمترین مشارکت سیاسی ۱,۶۵ می‌باشد. با توجه به میانگین حالت متعادل جامعه توزیع ۳ می‌باشد که هر چهار مؤلفه از حد وسط کمتر می‌باشند و مشارکت زنان در وضعیت مناسبی قرار ندارد. همچنین میانگین کل بدست آمده از چهار مؤلفه ۲,۰۸ می‌باشد که از عدد ۳ نیز کمتر است.

این مطالب را آزمون تی در سطح معناداری ۹۵ درصد تأیید می‌کند، یعنی بین میانگین نظری با میانگین‌های بدست آمده (میانگین تجربی) تفاوت معناداری وجود دارد. پس می‌توان گفت که مشارکت زنان در وضعیت نامناسبی قرار دارد.

جدول ۳- نتایج آزمون تی در مشارکت زنان

مؤلفه‌ها	آمار توصیفی			آمار تحلیلی		
	میانگین	انحراف معیار	اختلاف میانگین	مقدار تی	درجه آزادی	ارزش تست = ۳
سیاسی	۱,۶۵	۰,۲۸۱	۰,۰۲۸۱	۴۷,۹۶۸	۳۸۲	فاصله اطمینان ۹۵ درصد
اجتماعی	۲,۵۲	۰,۵۴۳	۰,۰۵۴۳	۱۹,۳۳۵	۳۸۲	کران بالا کران پایین
اقتصادی	۲,۲۰	۰,۹۷	۰,۰۹۷	۸,۱۹۲	۳۸۲	معنی داری کران پایین کران بالا
فرهنگی	۱,۹۵	۰,۵۷۳	۰,۰۵۷۳	۸,۳۷۸	۳۸۲	

مأخذ: محاسبات نگارندگان

یکی از ابزارهای مناسب جهت تحلیل متغیرها، ضریب همبستگی پیرسون است که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. ضریب همبستگی از روش‌های پر کاربرد جهت تعیین میزان رابطه بین دو متغیر محسوب می‌گردد.

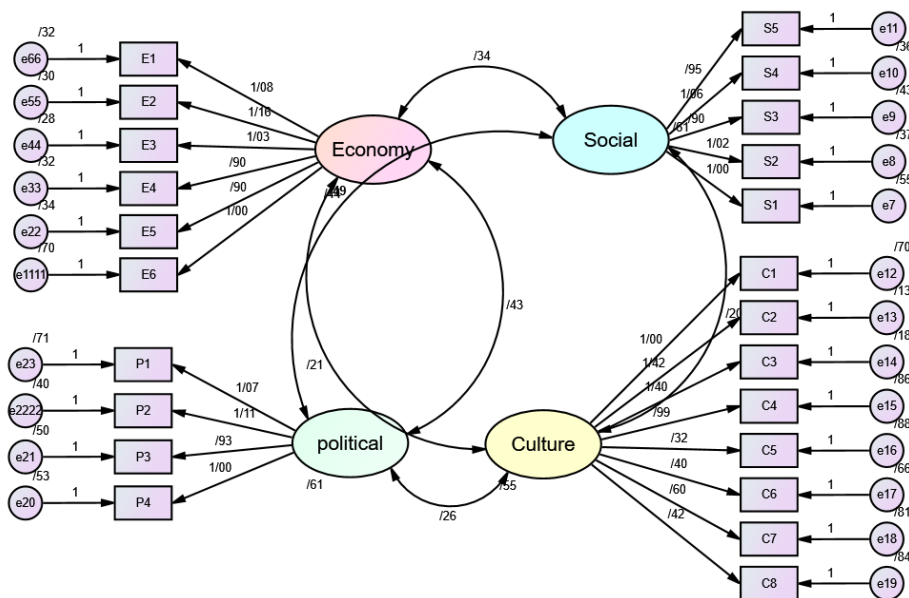
جدول ۴- همبستگی مؤلفه‌های پژوهش

مؤلفه	سیاسی	اجتماعی	اقتصادی	فرهنگی
Correlation Coefficient	۱	۰,۵۲۱	۰,۲۶۵	۰,۲۷۸
Sig. (۲-tailed)	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۱	۰
Correlation Coefficient	۰,۵۲۱	۱	۰,۴۹۶	۰,۳۱۶
Sig. (۲-tailed)	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
Correlation Coefficient	۰,۲۶۵	۰,۴۹۶	۱	۰,۶۸۸
Sig. (۲-tailed)	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
Correlation Coefficient	۰,۲۷۸	۰,۳۱۶	۰,۶۸۸	۱
Sig. (۲-tailed)	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰

جدول ۴ همبستگی را میان مؤلفه‌های عملکردی زنان در منطقه ۲۰ شهر تهران را که از جمع مؤلفه‌های مزبور به هر متغیر است را نشان می‌دهد، ارزیابی‌ها با توجه به جدول ۴ نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های مشارکتی همبستگی مثبت وجود دارد. به این معنا با افزایش هر مؤلفه، مؤلفه دیگری نیز افزایش می‌یابد و با کاهش یکی، دیگری نیز کاهش می‌یابد. با توجه به جدول ۴ ملاحظه می‌شود که بین مؤلفه‌های اقتصادی و فرهنگی با نمره ۰,۶۸۸، بیشتری رابطه وجود دارد و کمترین رابطه مربوط به مؤلفه‌های اقتصادی و سیاسی است.

تحلیل مسیر با استفاده از برازندگی الگوهای معادلات ساختاری

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) به وسیله نرم افزار AMOS استفاده گردید. پژوهش شامل ۴ متغیر مکنون مرتبه اول می‌باشد. در ابتدا مفروضه‌های استفاده از معادلات ساختاری بررسی گردید و سپس تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول انجام گردید. در واقع تحلیل عاملی تأییدی این مهم را آزمون می‌کند که آیا سوالاتی که برای سنجش متغیر مکنون مربوطه طراحی شده است، با توجه به داده‌های گردآوری شده به خوبی توانسته‌اند آن متغیر مد نظر را بسنجند یا خیر. شکل شماره ۲ و جدول شماره ۵ مسرهای مختلف مؤلفه‌ها و شاخص‌های برازش مدل را نشان می‌دهد.



شکل ۲- حل استاندارد شده مدل

مأخذ: محاسبات نگارنده

جدول ۵- شاخص های برازش مدل پژوهش

نوع شاخص	معیار برازش مدل	مقدار	حد قابل قبول	نتیجه
شاخصهای مطلق (برازندگی مدل)	کای اسکور (CMIN)	۱۵۹,۶۴		ق
	درجه آزادی (DF)	۹۳		ق
	سطح معناداری (P)	۰,۰۰۰	کمتر از ۰,۰۵	ق
	نسبت کای اسکور به درجه آزادی (CMIN/DF)	۱,۷۱	بین ۱ تا ۵	ق
شاخصهای نسبی	ریشه میانگین مجذورات خطای برآورد (RMSEA)	۰,۱۰۳	۰,۱ به پایین	ق
	شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰,۷۴۷	۰,۹ به بالا	غ
	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)	۰,۶۸۹	۰,۹ به بالا	غ
	شاخص برازش اصلاح شده (NFI)	۰,۷۵۷	نزدیک به یک	غ
	شاخص توکر - لوئیس (TLI)	۰,۸۶	۰,۹ به بالا	غ
	شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	۰,۸۸	۰,۹ به بالا	غ
	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰,۹۸	۰,۹ به بالا	ق
	شاخص برازش نسبی (RFI)	۰,۷۲۵	۰,۶ به بالا	ق
	شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI)	۰,۶۹۷	۰,۶ به بالا	ق
	شاخص برازش هنجار شده مقتصد (PNFI)	۰,۶۷۰	۰,۶ به بالا	ق

پس از بررسی و تأیید الگوی آزمون معناداری، از دو شاخص جزئی نسبت بحرانی CR و P استفاده شده است. بر اساس سطح معناداری ۰,۰۵ و مقدار بحرانی باید بیشتر از ۱,۹۶ باشد، مقدار کمتر از این در الگو مهم شمرده نمی‌شود. مقادیر کوچکتر از ۰,۰۵ برای مقدار P حاکی از تفاوت معنادار محاسبه شده برای وزن‌های رگرسیونی با مقدار صفر در سطح ۹۵ درصد دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم در عصر دانایی محور افزایش مشارکت میان افراد جامعه می‌باشد. تمامی افراد جامعه به خصوص زنان نقش بسیار مهمی در توسعه یافتگی در مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و سیاسی بر عهده دارند. مشارکت پدیده‌ای است به عنوان ابزار کارایی و کارگشایی در جامعه مدنی به خصوص کلانشهرها عمل می‌کند. مشارکت در قالب اشتغال بیانگر نقش اجتماعی زنان و برآورنده انتظاراتی است که دارنده آن موقعیت آن را برآورده می‌سازد. مشارکت عملکردی زنان عنصر مهم توسعه زندگی اجتماعی و اقتصادی است و در ضمن حاکی از شکوفایی استعدادها و توانایی‌های بخش مهمی از جامعه نیز می‌باشد. تعیین برنامه ریزی مناسب و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلان و خرد اجتماعی زمانی می‌تواند در جهت بهبود کمی و کیفی زیست اجتماعی به کار گرفته شود. باید به این نکته توجه داشت که اصولاً سهم زنان در مشارکت در ایران نسبت به سایر کشورهای جهان پایین‌تر است. نقش اجتماعی اقتصادی زن در جامعه بسیار مهم می‌باشد؛ در کنار آرمان توسعه و پیشرفت در فرایند برنامه ریزی، وجود تعادل و هماهنگی بین نیروی کار زنان در برخورداری از مواهب توسعه امر ضروری است که در صورت عدم رعایت آن موجب افزایش نابرابری‌های اجتماعی در جامعه خواهد شد. هدف اصلی جامعه نیز بقای توسعه در جهت رشد و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی است، تا از طریق رفاه و آسایش برای اقشار مختلف جامعه ایجاد گردد، باید در استفاده از نیروی کار زنان بخصوص در مشاغل مهم و حساس جامعه بدون هر گونه تبعیض تسریع کرد. در این پژوهش ۲۳ متغیر برای انواع مشارکت شامل: سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی احصا گردید. با استفاده از تکنیک آماری، تحلیل مسیر به تفسیر روابط میان متغیرها و مؤلفه‌ها و ترکیب بهینه آنها در قالب عامل معنادار اقدام شد. به این ترتیب جمع بندی نشان می‌دهد، بالاترین میزان مشارکت در منطقه ۲۰ شهرداری تهران، مشارکت اجتماعی با ۲,۵۲ و کمترین آن مشارکت سیاسی با میانگین ۱,۶۵ می‌باشد همچنین بین مؤلفه‌های اقتصادی و فرهنگی با نمره ۰,۶۸۸ بیشترین رابطه وجود دارد و کمترین رابطه مربوط به مؤلفه‌های اقتصادی و سیاسی است.

جدول ۶- جمع‌بندی یافته‌های مدل‌ها

نتیجه نهایی	تحلیل مؤلفه‌ها	مدل
مشارکت اجتماعی دارای بیشترین امتیاز	مشارکت اجتماعی، ۲,۵۲	آزمون میانگین
مشارکت سیاسی کمترین امتیاز	مشارکت سیاسی ۱,۶۵	
وزن مشارکت‌ها به ترتیب از بیشترین همبستگی به کمترین همبستگی: اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی	همبستگی اقتصادی فرهنگی ۰,۶۸۸ همبستگی سیاسی اقتصادی ۰,۲۶۵	ضریب همبستگی
مشارکت اجتماعی دارای بیشترین مسیر در ساختار مشارکت زنان در منطقه ۲۰ شهر تهران می‌باشد.	میانگین مقدار بحرانی در مؤلفه‌های اقتصادی ۲,۸۵، اجتماعی ۳,۸۹، فرهنگی ۲,۸۲، سیاسی ۲,۹۳	معدلات ساختاری

پیشنهادها

- استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی در جهت آگاهی از میزان کمبودها و نیازهای محلات در ارتباط با مشارکت زنان.
- حمایت شهرداری و سازمان‌های ذی‌ربط در جهت تأمین و افزایش میزان مشارکت در محلات منطقه ۲۰.
- آموزش و تبلیغات برای افزایش هر چه بیشتر زنان در امور محلات منطقه ۲۰.
- تأسیس و گسترش شورا‌های محله‌ای با مشارکت زنان در راستای بهبود و گسترش محلات منطقه ۲۰.
- احصای قوانین بستر ساز مشارکت زنان در تمامی مقولات اقتصادی، فرهنگی سیاسی و اجتماعی.

References:

- Abasi, A., & Rezai roshan, H. (2017). An Investigation of Affecting Factors on Women's Participation among Selected Countries in the Middle East. Quarterly Journal of Women and Society, 8(31), 73-92.
- Almahmood, M., Schulze, O., Carstensen, T. A., & Jørgensen, G. (2018). The Sidewalk as a Contested Space: Women's Negotiation of Socio-Spatial Processes of Exclusion in Public Urban Space in Saudi Arabia; The Case of Al Tahlia Street. Planning Practice & Research, 33(2), 186-210.
- Askari, A. H., & Soltani, S. (2019). Determinants of a successful public open space: the case of Dataran Merdeka in the city centre of Kuala Lumpur, Malaysia. Landscape research, 44(2), 162-173.

- Bazzi, K., & Sarkolzaei, S. (2012). Evaluation of women's rule in cities management on the basis of TO
- PSIS technique (Zabol case study). *Spatial Planning*, 2(1), 107-120. Retrieved from http://sppl.ui.ac.ir/article_15915_b3eb11f7260039719fccabd659f226a2.pdf.
- Bull, R., & Azennoud, M. (2016). Smart citizens for smart cities: Participating in the future. *Proceedings of the Institution of Civil Engineers-Energy*, 169(3), 93-101.
- Calvain, E. F. P) .2019 (Advocating the Woman Affirmative Action and Women Empowerment in Rural Cross River State of Nigeria: The Role of the Civil Society and the Media. In *Gender and Diversity: Concepts, Methodologies, Tools, and Applications* (pp. 460-475): IGI Global.
- Cohen, M., & Wiek, A. (2017). Identifying misalignments between public participation process and context in urban development. *Challenges in Sustainability*, 5(2), 11-22.
- Colfer, C., McFarlane, R., Dudley, R., Arora-Jonssons, S., Basnett, B. S., & McDermott, C. (2019). Health, gender, equity, and justice: potential synergies among SDGs. Paper presented at the International Union of Forest Research Organisations World Congress: Interconnecting Forests, Science and People.
- Faysse, N., Sellika, I. E., Rinaudo, J.-D., & Errahj, M. (2018). Participatory scenario planning for sustainable irrigated agriculture when actors seldom communicate: an experiment in Morocco. *International Journal of Water Resources Development*, 34(6), 982-1000..
- Garcia-Ramon, M. D., Ortiz, A., & Prats, M. (2004). Urban planning, gender and the use of public space in a peripheral neighbourhood of Barcelona. *Cities*, 21(3), 215-223.
- Gholamhosseini, R., Pojani, D., Mateo Babiano, I., Johnson, L., & Minnery, J. (2019). The place of public space in the lives of Middle Eastern women migrants in Australia. *Journal of Urban Design*, 24(2), 269-289 .
- Golabi, F., & Hajiloo, F. (2012). Sociological Review of Political Participation Rate of Women and some of Social Factors Affecting It (Case Study in Eastern Azerbaijan Province). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 1(1), 173-200. Retrieved from https://jisr.ut.ac.ir/article_36552_012ac9b768f4bce2a29cdf09cfff4bcb.pdf. doi:10.22059/jisr.2012.36552
- Hague, C., Kirk, K., Higgins, M., Prior, A., Jenkins, P., Smith, H., . . . Grimes, W. (2003). *Participatory planning for sustainable communities*. London: Office of the Deputy Prime Minister.
- Harris, N. (2002). Collaborative planning. *Planning futures: New directions for planning theory*, 21-43.
- Hashemi, S. A. (2015). Social Factors Affecting Women's Political Participation (Case Study: Women from 18 to ۳۹ in LamerdCity). *Quarterly Journal of Women and Society*, 6(21), 87102. Retrieved from http://jzvj.miau.ac.ir/article790_756a5bc71dc7310c88785b9d362bd828.pdf.

–Innes, J. E., & Booher, D. E. (2000). Public participation in planning: new strategies for the 21st century .

–Ito, M., Okabe, D., & Anderson, K. (2017). Portable objects in three global cities: The personalization of urban places. In *The reconstruction of space and time* (pp. 67-87): Routledge.

–Krenichyn, K. (2004). Women and physical activity in an urban park: Enrichment and support through an ethic of care. *Journal of environmental psychology*, 24(1), 117-130.

–Lock, O., Bednarz, T., Leao, S. Z., & Pettit, C. (2019). A review and reframing of participatory urban dashboards. *City, Culture and Society*, 100294 .

–Mabuza, M. P. (2020). The UN Millennium Development Goals (MDGs) and Sustainable Development Goals (SDGs). In *Evaluating International Public Health Issues* (pp. 77-103): Springer.

–McKenzie, K. (2008). Urbanization, social capital and mental health. *Global Social Policy*, 8(3), 359-377.

–McLavery, P. (2017). *Public participation and innovations in community governance*: Routledge.

–Mozayani, A. H., Sahabi, B., & Mamaleki, M. (2019). Study of CyberSpace Development Impact on Women Participation in Iran's Economy (A Case on Women's employment and Fertility Rate). *Quarterly Journal of Women and Society*, 10(37), 301-330. Retrieved from <http://jzvj.miau.ac.ir/article3405a36431a5de8d2ddec0d2660a8fa17d77.pdf> .

–Mutongu, Z. B. (2018). Women's Participation in Community-Based Organizations' Development as a Strategy for Poverty Reduction in Kenya. In .

–Popenoe, D. (2019). Women in the suburban environment: a US-Sweden comparison. In *New space for women* (pp. 165-174): Routledge.

–Rezazadeh, R., & Mohammadi, M. (2009). An investigation on the factors limiting women's presence in urban space. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memory Va Shahrzazi*, 1(38), 105-114. Retrieved from https://jfaup.ut.ac.ir/article_22254_59e4230079f9e4170364fb404375cf9c.pdf .

–Rezvani, M., & zanjanizadeh, H. (2015). A Study on Factors Affecting Division of Labor in Family (Case Study of Married Female Working for Ministry of Education in Mashhad). *Women's Studies Sociological and Psychological*, 13(4), 29-60. Retrieved from https://jwsps.alzahra.ac.ir/article_2240_c31592c39d6a6ed1d0638ab771789f9c.pdf . doi:10.22051/jwsps.2016.2240

–Shariati Mazinani, S., & Foroghzadeh, S. (2017). urban public spaces and women security: The case study of Mashhad. *Strategic Research on Social Problems in Iran University of Isfahan*, 6(4), 71-90. Retrieved from http://ssoss.ui.ac.ir/article_22661_ae7966956bce39b6665e28ea45ee0b12.pdf. doi:10.22108/ssoss.2018.100985.1007

-Sirel, A., & Sirel, O. Ü. 2018.(Universal Design” Approach for the Participation of the Disabled in Urban Life. *Journal of Civil Engineering and Architecture*, 12, 11-21.

-Van Staden, F. (2020). Cities—Where People and Ecology Meet. In *Urban Geography in South Africa* (pp. 97-1 :۱) Springer.

-Yaghfoori, H., & Rafieyan, s. (2015). A Study of the Function of Urban Management Regarding the Participation of Citizens in Urban Affairs: The Case of Fasa. *Journal of Urban - Regional Studies and Research*, 7(27), 81-100.

